

طلاق؛ شگافی برای فروپاشی نظام اجتماعی جوامع!



نویسنده: نسیمه خلیل

امروزه طلاق به یکی از مهم‌ترین معضلات جوامع تبدیل شده است، طوری که رشد میزان طلاق و کاهش ازدواج در کشورهای غربی نگرانی جدی سیاست‌گذاران این کشورها را در پی داشته است. طلاق در جوامع مختلف اثرات منفی فردی و اجتماعی زیادی را به دنبال دارد. افزایش افسردگی، انزوای اجتماعی، افزایش رابطه‌های غیر اخلاقی و روی آوردن افراد به اعتیاد از جمله اثرات این معضل اجتماعی بر جوامع امروزی است.

عصبانیت، اضطراب، ناامیدی اجتماعی، شبکه‌های مجازی، عدم تعهد زوجین و خیانت از جمله مهم‌ترین عوامل طلاق در کل جهان به ویژه در کشورهای غربی محسوب می‌شود. هرچند در اغلب کشورهای دنیا این آمار هم‌چنان در حال افزایش است، اما براساس آمارهای منتشر شده در سال ۲۰۱۸م، ۱۰ کشور پرچم‌دار آمار بلند طلاق در میان دیگر کشورها هستند. براساس گزارش، همه‌ی این ۱۰ کشور جزء کشورهای اروپایی هستند؛ این امر نشان دهنده افزایش آسیب‌های اجتماعی در اروپا و حرکت خانواده‌های غربی بسوی فروپاشی است.

بلژیک: بلژیک پرچم دار بیش‌ترین آمار طلاق در دنیا می‌باشد. براساس آمارها، میزان طلاق این کشور در سال ۲۰۱۸م، ۷۱ درصد بوده است. طوری که همه ساله حدود ۳۲ هزار نفر در بلژیک درخواست طلاق می‌کنند.

پرتغال: در میان لیست کشورهای پر طلاق دنیا، کشور پرتغال دومین جایگاه را به خود اختصاص داده است. که در سال ۲۰۱۸م، آمار طلاق در این کشور، ۶۸ درصد بوده است.

مجارستان: کشور مجارستان که در اروپای مرکزی واقع شده است نیز یکی از کشورهایی است که در طلاق از آمار بالایی برخوردار می‌باشد، در چند سال گذشته نیز میزان ازدواج در این کشور به شدت کاهش پیدا کرده است. در واقع برخلاف افکار عمومی، در کشور مجارستان مردان بیشتر از زنان طلاق را تجربه کرده‌اند.

جمهوری چک: قطب فرهنگ و هنر اروپا، جمهوری چک غرق در معضل طلاق است؛ جمهوری چک که در اروپای شرقی واقع شده است، چهارمین کشور رکورد دار آمار بلند طلاق در جهان است. حدود ۱۳ درصد از زنان این کشور طلاق گرفته‌اند، به علاوه ۱۱ درصد از مردان این کشور نیز طلاق را تجربه کرده‌اند. بر اساس آمارهای منتشر شده در سال ۲۰۱۸م، آمار طلاق در جمهوری چک برابر با ۶۶ درصد است. شکست و ناامیدی زوجین برای ادامه زندگی، مهم ترین علت طلاق در این کشور محسوب می‌شود.

اسپانیا: طلاق در کشور اسپانیا به قدری افزایش پیدا کرده است که به یک امر عادی و پذیرفته شده در عرف جامعه تبدیل شده است. به همین منظور و برای کاهش طلاق، به تازگی قانون جدیدی تحت عنوان «مدیریت رابطه» در این کشور به تصویب رسیده است. براساس این قانون، زوجینی که تقاضای طلاق می‌کنند باید حداقل سه ماه از ازدواج آن‌ها گذشته باشد. اما با وجود تصویب این قانون برای محدود کردن شرایط طلاق، همچنان آمار طلاق در اسپانیا بالا است و به یک بحران تبدیل شده است. یکی از مهم‌ترین علل طلاق در این کشور نیز مشکلات مالی است که موجب اختلافات خانوادگی و جدایی شده است.

لوکزامبورگ: کشور لوکزامبورگ در شمال اروپا واقع شده است و یکی از کشورهای ثروتمند اروپا محسوب می‌شود. این کشور که در همسایگی فرانسه و آلمان قرارداد نیز مانند دیگر کشورهای اروپایی با معضل طلاق دست و پنجه نرم می‌کند. در لوکزامبورگ سن ۴۰-۴۹ سالگی، سن اصلی ناامیدی از زندگی و طلاق محسوب می‌شود. اغلب مردم این کشور در این سن، از زندگی قبلی خود احساس ناامیدی کرده و یا تصمیم به شروع یک زندگی جدید یا پایان دادن به زندگی خانوادگی فعلی خود می‌کنند.

با وجود کوچک بودن این کشور، اما آمار طلاق در آن بسیار بالا بوده و حدود ۶۰ درصد است. این درحالی است که قوانین محدود کننده در این کشور برای کاهش طلاق نیز وجود دارد. براساس این قوانین زوجینی که تقاضای طلاق می‌کنند، باید حداقل ۲۱ سال سن داشته باشند و دو سال از زندگی مشترک آن‌ها نیز گذشته باشد. اما به نظر می‌رسد که این قوانین هم نتوانسته آمار طلاق را کاهش دهد، باتوجه به لیست بیشترین کشورهای درگیر طلاق، می‌توان به این نتیجه رسید که تمامی این کشورها در اروپا واقع بوده و در واقع طلاق در جای جای اروپا از غرب تا شرق و از شمال تا جنوب این قاره دامن گسترانیده است.

استونی: براساس آمارهای منتشر شده، آمار طلاق در کشور استونی که در شمال اروپا واقع شده است، در سال ۲۰۱۸م، برابر با ۵۸ درصد است؛ به دلیل آمار بالای طلاق و قوانین استونی در زمینه طلاق، بسیاری از افراد در این کشور ازدواج نمی‌کنند و ترجیح می‌دهند رابطه خود را در حد دوستی نگه‌دارند.

کوبا: کوبا نیز بزرگ‌ترین جزیره واقع در امریکای جنوبی و هشتمین کشوری است که آمار طلاق در آن روند روبه رشدی را در پیش گرفته است. آمار طلاق در این کشور در سال ۲۰۱۸م، برابر با ۵۶ درصد است. بسیاری از ازدواج‌ها در این کشور به قدری سریع به

طلاق ختم می‌شود که زوجین حتی فرصت بیش از یک مرتبه مجادله را ندارند. جمعیت زیاد و هم چنین درخواست های بالا برای طلاق در کوبا، یکی از علل سهولت انجام گرفتن طلاق در این کشور است.

فرانسه: در تمام فیلم‌ها و داستان‌ها فرانسه به کشور عشاق شهرت دارد؛ اما آمارها چیز دیگری را نشان می‌دهد؛ چراکه آمار بالای طلاق در این کشور، آن را بیشتر به شهر جدل و جدایی شبیه کرده است. کشور فرانسه نهمین کرسی را در لیست کشورهای پر طلاق دنیا، به خود اختصاص داده است. بر اساس آمارها، ۵۵ درصد از ازدواج‌ها در کشور فرانسه به طلاق ختم می‌شود. بیش‌تر مردم این کشور نیز دوری از دیگران و انزوا را به جای بودن با خانواده بر می‌گزینند.

امریکا: بر اساس اعلام اداره آمار آمریکا، آمار ازدواج در این کشور یک روند رو به کاهش را در پیش گرفته است. از سویی آمار طلاق در این کشور به شدت رو به افزایش است. طوری که کشور آمریکا در میان دیگر کشورها، دهمین کشور پر طلاق دنیا محسوب می‌شود. براساس گزارش‌های منتشر شده، آمار طلاق در آمریکا از ابتدای سال ۲۰۱۸م، تاکنون ۵۳ درصد بوده است. به علاوه سهولت در روند حقوقی جدایی زوجین از یک دیگر، یکی از علل افزایش طلاق در این کشور است. به گونه‌ای که با مراجعه به مراکز مربوطه و چندین امضاء، در عرض چند روز طلاق صورت می‌گیرد. اگر زوجین فرزندی نداشته باشند این روند بسیار آسان‌تر و سریع‌تر انجام خواهد شد. (منابع: فارس نیوز، مشرق نیوز)

این روزها آمار و ارقام‌ها از آسیب‌های اجتماعی مختلف در کشورهای غربی، نشان‌دهنده شکست سیاست‌های این جوامع است. به نظر می‌رسد که دنیای غرب باید به فکر ایجاد تغییرات اساسی در زمینه سیاست‌های فردی و اجتماعی خود باشد. اما حکایت این جا به پایان نمی‌رسد. متأسفانه در بین خانه‌ها و خانواده‌های امت مسلمه نیز آمار بلند طلاق به چشم می‌خورد و سبب بروز مشکلاتی مانند: خشونت، ترس و وحشت، سوء استفاده جنسی و جسمی و... که در جوامع غرب به وفور دیده می‌شود، گردیده است. این بخاطر پذیرش همان ارزش‌ها و نظام‌های فاسد و مضر لیبرال، سیکولر و سرمایه‌داری می‌باشد که با خیال پردازی‌های دروغین از طرف دولت‌های غربی، مؤسسات و سازمان‌های شان به بهای هنگفتی به ما فروخته می‌شود؛ در حالی که تأثیرات فاسد آن بر جوامع را پنهان می‌کنند. این نظام‌های فاسد همیشه در پی تخریب انسان‌ها و نابودی شان بخاطر رسیدن به منافع خود می‌باشند. این نظام‌های فاسد با ترویج آزادی‌های لیبرال و تأمین آزادی‌های فرد به منظور لذت بردن از زندگی و با شعار زهرآگین سعادت، یعنی استفاده اعظمی از امکانات و خوشی‌های زندگی سبب گردیده اند تا زنده‌گی مردم را فلج و به پرتگاه نابودی بکشانند.

اگر یک دولت به دنبال تأمین خواهشات، هوس‌ها و برابری جنسیتی افراد باشد، آن هم از طریق تظاهر کردن زنان منحیث شی در جامعه، پس تعجب نکنید که با موج از خشونت‌های خانگی مواجه شود. اگر یک دولت به وسیله نظامی رهبری شود که قوانین آن نظام از عقل محدود، ناقص و قابل تغییر بشر نشأت گرفته باشد، پس جای تعجب نیست که با کوهی از مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، که باعث درد و رنج افراد اعم از زن، مرد و کودک شده، مواجه شود و برای نجات این افراد از این بدبختی‌ها هیچ راه‌حلی نیز نداشته باشد.

پس زمان آن فرارسیده تا چشمان خویش را باز نموده و درک نمائیم که حفاظت از جوامع و سرزمین‌های اسلامی از این مسیر، که به طرف بدبختی اجتماعی روان است، نیازمند آن است تا نظام و ارزش‌های غربی را نپذیرفته و به طرف احکام، ارزش‌ها و نظام

والای اسلامی بازگردیم تا به زندگی مان نظم بخشیده و خانواده‌ها و سرزمین‌های مان را رهبری و حفاظت کند. در واقع، تنها روش زندگی اسلامی است که افکارمان را به وسیله تقوی، یعنی درک ارتباط با الله سبحانه و تعالی شکل داده و باعث شده تا روش زندگی و عقاید غربی را رد نمائیم؛ اعمال مان را نیز با اطاعت کردن از الله سبحانه و تعالی شکل داده و باعث شده تا در تمام بخش‌های زندگی خویش، منجمله پرورش و رفتار با فرزندان مان، مسئولیت پذیر باشیم و تقوی پیشه نماییم؛ اما این زندگی با عزت تنها با برگشت کامل اسلام از طریق تأسیس نظام الهی یعنی خلافت اسلامی در سرزمین‌های مان امکان پذیر است.